

مادر بزرگها و مادر بزرگهای امروز



مادر بزرگها و مادر بزرگهای امروز

آداب و رسوم: پدر
بزرگها و مادر بزرگها آداب و رسوم ملی را به کودکان می‌شناسانند و در سایه داستانها و حکایاتی که برای نوه‌ها می‌گویند، بچه‌ها خود را در دنیای انسانهای ریشه‌دار و قدیمی حس کرده و از اینکه با تاریخ گذشته بستگی‌هایی دارند احساس نوعی امنیت می‌کنند: «من برای خودم در این دنیا و روی زمین جای خوبی دارم زیرا از دیر باز خانواده من در اینجا مستقرند و زندگی می‌کنند».

همچنین برای تکوین منش کودک بسیار بجای مناسب است و قنیه بطور مداوم و بدلیل تغییر محل سکونت، پدر و مادرشان جا بجای شوند، بدانند که خانواده‌اش از کدام ناحیه، کدام قسمت و با کدام شهر برخاسته‌اند.

«من چندین خانه عوض کرده‌ام ولی تاریخچه زندگی پدرم آنجا شروع شده، در آن دهکده در آن شهر...»

و آن يك محل ثابتی است که شاید هنوز عمو و یا پسر عمه آنها آنجا سکونت دارند بچه‌ها از اینکه احیاناً تعطیلاتشان را آنجا نزد یکی

از آنان بگذرانند بسیار خوشحال می‌شوند و همچنین آنجا را برای زندگی و شغل آینده‌شان نیز تکیه‌گاهی بشمار می‌آورند. از طرفی پدر و مادر - بزرگهای امروزی مانند سابق پای بند و معتقد به آداب و رسوم نیستند و احترامی به این مسائل ندارند. وعهد - شکنی نوآوران هم آنان را تحت تأثیر عمیق قرار نداده است. و از طرفی دیگر معتقدند که بسیاری از آداب و رسوم و عادات پدر در پدري چیزی نیست جز خاطرات و یادگارهایی که در هر کشور به نحوی مخصوص بخودش از آنها یاد می‌کنند و بدان‌ها متذکرند.

جوانان و زمان گذشته: ممکن است از خودمان سؤال کنیم که آیا هنوز هم جوانان بمسائل و مدارك قدیمی همان اندازه احترام دارند که نسل قدیمتر داشتند، آنان معتقدند که توجیه رفتار و حرکات افراد کاری بی‌مزه و ملالت آور است، درس‌الهایی که خواهد آمد تاریخ و ادبیات محتملاً کمتر به شرح و تفصیل گزارشهای فردی خواهد پرداخت و مردم کمتر به زندگی خصوصی افراد مشهور هم‌زمان علاقه نشان میدهند، بنظر

میرسد بسوی نوعی گمنامی و بی‌نشان‌ی ره میسپاریم که به هر کس اجازه خواهد داد در کارهای دسته جمعی شرکت کند بدون آنکه شخصیت فرد و یا افراد مطرح باشد، و بدون رقابت و آرزوی درخشندگی و جاودانی شدن که احیاناً با کوشش‌های جمعی اصطکاک پیدا می‌کند. به سبب این تحولات پدر بزرگها و مادر بزرگها هم کمتر از سابق در جستجو و حفظ خاطرات هستند.

خاطراتی که زنده و برپا داشته‌شان در نسل فعلی شاید زحمتی باشد زیرا آنان معمولاً برای بزرگداشت و یادآوری خاطرات گذشته ارجح و ارزش قائل هستند.

اجتماعات خانوادگی:
بطور تحقیق این اجتماعات برای عده زیادی بسیار مهم و ارزشمند است. شناخت احساس تنهایی و بی‌کس و کاری افرادیکه فاقد کانون خانوادگی هستند کافی است تا توجیه شویم که کانون خانوادگی و زندگی بسا نزدیکان، چقدر آرامش بخش و لذت آفرین است. تنها گذرانیدن روزهای عید و تعطیل موضوعی است که غالباً هم‌مشکل می‌نماید و می‌کوشند که با اصطلاح

از در و دیوار برای خودشان کسی را فراهم نموده و دعوت هائی بعمل آورند . ولی زیاده روی و

مبالغه هم جایز نیست در بعضی از خانواده ها اجتماعات آنقدر زیاد می شود که بصورت تحمیل ، هم برای مدعو و هم برای دعوت کننده دره ای آید و نه این یکی و نه دیگری هم جرأت انصرافش را ندارند این مشکل آنقدر افکار هر کدام را مشغول می سازد که خوشی و شادمانی دور هم جمع شدن را بکلی فراموش می کنند . ممکن است در این ملاقاتها هر لحظه اش فرصتی بشود که هر کدام چیزی از مکنونات قلبی خود را فاش ساخته و عکس العملی نشان دهند . مهمانی های منظم عملاً برای هر کدام اجبارها و تکالیفی ایجاد می کند که انصراف از آن مشکل می باشد . زیرا قبلاً تعیین وقت شده و رد آن مهمانی از طرف هر کس بمنزله طفره رفتن از قبول نوبت شخصی و شانه خالی کردن از زیر این بار می باشد . بهتر نیست خود را بجای فرزندان قرار داده و برایشان تکالیف منظم تعیین نکنیم و یک مرتبه در هفته بطور

« اتفاقی » بهتر است یا اینکه « همه یکشنبه ها » ؟ کمبود وسائل تقریبی در زندگی رنج آور است . تعطیلات افراد خانواده در مواقع مختلف گرفته میشود مسافرت های زمستانی دره وقع تعطیلات نوئل یا روز عید (عید مسیحی) فرق می کند ولی پدر بزرگها و مادر بزرگها برابری با عادت ، آدابگی ندارند که تاریخ مهمانیها را که از پیش تعیین شده است برابری با احتیاجات و گرفتاریهای افراد بتأخیر بیندازند و چشم پوشی نمایند آنها میخواهند که همگی در موعد مقرر در مهمانی حضور داشته باشند . ولی این واضح است که هر چه فرزندان بیشتر دور هم جمع شوند بیشتر همدیگر را می شناسند خانواده هائی هستند که نمیتوانند در اجتماعات خانوادگی چکار باید بکنند در این صورت فقط برای انجام وظیفه قبول دعوت میکنند به مهمانی حاضر میشوند و بلافاصله پس از صرف غذا محل مهمانی را ترک می کنند ، تا با هر کدام از نزدیکان که بیشتر مربوطند و قشاش را بگذرانند در

خانواده های پر جمعیت مسئله جا و مخارج ایجاد مشکل می کند ولی با وجود تمام محظورات از اینکه همه افراد خانواده دور هم هستند ، همگی خوشحال و راضی میشوند . بعضی از رویدادها : تولد ،

اسم گذاری نوزاد ، مراسم نامزدی ، عروسی ، بعنوان مراسم مهم و اساسی خانواده تلقی میشوند لباس های تازه تهیه می کنند و در ترتیب میز غذا خوری با هم رقابت ها می کنند اینها احساسات عمیقی است که در ملاقاتها در وجود هر کدامشان ایجاد میشود آنها خودشان را به این جشنها و مراسم مربوط می دانند و آنچه در مراسم دیگر گذشته است بیاد می آورند ، با میل و رغبت در مراسم شرکت می کنند ، چنین بخاطر دارند که مثلاً در جشن گذشته ، خودشان قهرمان جشن بوده اند (صاحب خانه) و به همین دلیل سعی می کنند با حضور خود تلافی کنند . بعضی از خانواده ها دور هم

جمع میشوند بدون آنکه حقیقتاً با هم همفکر باشند فقط بدلیل « باید ها » ، در این صورت هر کدام دنبال دست و آویزی می گردند که با اصطلاح



جا خالی کنند.

هیچ کس جرأت ندارد که هر چه فکر می کند بر زبان جاری نماید و مسائل را همانطور که وجود دارد توجیه کرده و توضیح دهد .

تظاهرات زیادی وجود دارد و مطمئناً بجای ذکر حقایق خانوادگی بهتر است به بازی ورق توسل جوئید چون در هر صورت روابط را کمتر تیره و تار می کند تا وسیله ای پیدا شود که هر کدام خود را کنار بکشند. در چنین محیطی هوا و فضا غیر قابل تنفس و تحمل می گردد .

ولی اگر اجتماعات بزرگ رنج آوراست دوره های کوچک بهتر می تواند برپا شود و بیه این صورت نفع پدر بزرگها و مادر بزرگها هم بدلیل اینکه می توانند فرزندان و نوه های خود را در اجتماع کوچکتر دعوت کنند و زحمت دعوت های دسته جمعی را نداشته باشند بیشتر خواهد بود .

جای پدر بزرگها و مادر بزرگها: وقتی که فرزندان همانیهای خانوادگی ترتیب می دهند از پدر بزرگها و مادر بزرگها هم دعوت می کنند

و بعنوان تشریفات (احترام و تزئین) بهترین جا را به آنان اختصاص می دهند. مهذا اگر سرمیز غذا جایشان بسا سایرین اشتباه شود آب و هوا عوض می شود ولی اکثراً پدر بزرگها و مادر بزرگهای خوشحالی

قبول دارند که صندلی افتخاری رو بروی صاحبخانه را اشغال نکنند و قتی که احساس کنند که فرزندان و نوادگان شان ، آنها را صمیمانه دوست دارند مسئله جا و تعارفات کمتر اهمیت پیدا می کند .
بقیه در صفحه ۵۱

مشکل بچه‌ها چیست؟

می‌شناسیم، و با مشکلاتمان بهتر از شما آشنا هستیم. ما آمده ایم مسائلی را که همه‌مان، هر یک به نوعی با آن روبرو هستیم در میان بگذاریم و چاره‌جویی کنیم.

آقای دکتر آشتی سپس برای شرکت کنندگان در جلسه بحث و سخنرانی توضیح داد که خدمات انجمن ملی اولیاء و مربیان مطلقاً مجانی است، و از شرکت کنندگان در کلاسهای تابستانی انجمن نیز ابداً پولی دریافت نخواهد شد.

سپس آقای امامی رئیس انجمن خانه و مدرسه دبیرستان ملی دخترانه شماره ۲ همدان پس از بیان ابراز خوشوقتی از تشکیل چنین جلسات، و تحسین از خدمات انجمن ملی اولیاء و مربیان گفت: - ما از لحاظ متریال در

آموزش نقصی نداریم، اما از جهت معنوی و کیفی آموزش و پرورش دچار نقص هستیم. ما نیاز به ارشاد صحیح در مسیرهای صحیح داریم. من بشما پدران و مادران که در اینجا حضور دارید می‌گویم بیائیم به این ندای انساندوستی، به ندای انجمن اولیاء و مربیان پاسخ دهیم.

آقای امامی در پایان سخنان خود با اشاره به مطالب مجله «مکتب‌مام»، مندرجات این مجله را مورد تحسین قرار داد.

آنگاه چند نفر از حاضران در جلسه، پیرامون مشکلات مختلف روابط اولیاء و فرزندان مطالبی بیان کردند و سپس خانم حبیبی، یکی از فرهنگیان با سابقه و مدیر دبستان هدف ضمن سخنانی اظهار داشت:

- امیدوارم چراغی را که انجمن ملی اولیاء و مربیان فراهم ما گذارده است منتقم بشماریم و بتوانیم فرزندانمان را خوب تربیت کنیم.

پس از سخنان خانم حبیبی یک حلقه فیلم که بوسیله انجمن ملی اولیاء و مربیان تهیه شده بود، بنمایش گذاشته شد. بعد از نمایش فیلم، عده‌یی از اولیاء دانش‌آموزان، پرسشهای گوناگونی در مورد فرزندان خود و نحوه آموزش و پرورش مطرح ساختند که بوسیله خانم دکتر آصفی، و آقایان دکتر آشتی و دکتر عظیمی پاسخ داده شد.

این جلسه در ساعت هفت و پانزده دقیقه پایان یافت.